فرجام پوپولیسم آمریکایی

ادامه از صفحه اول

این چرخش رادیکال و انتقال آرا به اردوگاه سنتی مقابل، بیش از آنکه حاصل یک انتخاب ایجابی باشد، اقدامی سلبی و تنبیهی در جهت زیرپانهادن پیمان شکنی رهبران پوپولیست بود. این رخداد، سندی تاریخی بر اضمحلال قطعی سرمایه اجتماعی جریانی است که می‌پنداشت می‌تواند با هوچی‌گری رسانه‌ای و هیجان‌آفرینی‌های مجازی، تناقضات ساختاری خود را لاپوشانی کند.

با این وجود، خطا خواهد بود اگر آثار ویرانگر و پس‌لرزه‌های این هزیمت را صرفاً در چارچوب یک رقابت حزبی یا انشقاق درون تشکیلاتی در میان جمهوری‌خواهان ارزیابی کنیم. فرجام این تجربه پوپولیستی، زنگ خطری بسیار بلندتر و سهمگین‌تر را برای لایه‌های فرادست و شبکه‌های پنهان و آشکار قدرت در ایالات متحده به صدا درآورده است. جامعه آمریکا با نظاره‌گری ورشکستگی سریع ترامپیسم، واپسین میخ را بر تابوت باور به اصلاح‌پذیری وضعیت موجود درون چارچوب‌های مستقر کوبید. توده‌های خشمگین اکنون دریافتند که فرقی میان فریبکاری نئولیبرال‌های دموکرات و لاف‌زنی‌های توخالی راست‌گرایان پوپولیست وجود ندارد؛ هر دو جریان، در نهایت جاده صاف‌کن کارتل‌های الیگارشیک، شبکه‌های امنیتی نامرئی و سرمایه‌داری فاسد حاکم هستند.

بنابراین، موج بعدی انفجار اجتماعی در آمریکا دیگر در قالب صندوق‌های رأی، تعویض احزاب یا حتی جنبش‌های هدایت‌شده درون سیستمی بازتولید نخواهد شد. پوپولیسم ترامپی به عنوان آخرین سنگر هیئت حاکمه برای مهار و کانالیزه کردن خشم طبقاتی شکست خورد و فروپاشید. این فروپاشی، انرژی نهفته و طغیان گر میلیون‌ها شهروند محروم و تحقیرشده را مستقیماً رو به روی شالوده‌های اصلی نظام سلطه در واشنگتن قرار داده است؛ مصافی گریزناپذیر که مقصد نهایی آن، نشانه رفتن تمامیت نظام حکمرانی و فروریختن هژمونی پنهان و آشکاری است که دهه‌ها بر گرده مردم آمریکا سنگینی کرده است.

خبر

هشدار نجباء درباره توطئه علیه حشدالشعبی

جنبش نجباء با هشدار درباره توطئه علیه حشدالشعبی تأکید کرد که برخی به دنبال تضعیف و انحلال بسیج مردمی هستند. به گزارش تسنیم، متن بیانیه مقاومت اسلامی نجباء در عراق به این شرح است: قانون حشدالشعبی با اصلاحاتی ناعادلانه روبرو شده؛ اصلاحاتی که دست‌های مشکوک وهابی و صهیونیستی را در پشت پرده نمایان می‌کند. نباید اجازه داد تغییراتی که به تضعیف، چنددستگی و محدودسازی جایگاه حشدالشعبی می‌انجامد، به تصویب برسد. ایستادگی در برابر این توطئه، کمترین ادای دین به خون پاک شهید ابومهدی المهندس و دیگر شهدای والامقام است. حشدالشعبی قلب تپنده، ستون فقرات عراق و تجلی راستین باور به مقاومت اسلامی است. حشدالشعبی از نخستین روزهای مقابله با فتنه تکفیری تا به امروز، پیوسته آماج توطئه‌ها بوده است. جریان‌های وابسته‌ای که در ازای منافع مادی موضع‌گیری می‌کنند، همواره برای تضعیف، خلع سلاح و حتی انحلال این نهاد مردمی کوشیده‌اند. آنها به خوبی می‌دانند حشد شعبی سلاحی برنده در برابر دشمنان عراق و خاری در چشم آنان است.

وزارت خارجه یمن:

سازمان ملل دست از سیاسی کاری بردارد

یک منبع وزارت خارجه یمن به سازمان ملل گفت که از سوءاستفاده و سیاسی کردن بحران و رنج مردم یمن دست بردارد. به گزارش تسنیم، در حالی که جامعه بین‌المللی و سازمان ملل متحد همچنان با استانداردهای دوگانه با بحران یمن برخورد می‌کند، امروز یک منبع رسمی در وزارت خارجه یمن اعلام کرد که سازمان ملل از درد و رنج یمنی‌ها برای تبلیغات خود سوء استفاده می‌کند. این منبع تأکید کرد که سوء استفاده از رنج مردم تعز و سایر استان‌های یمن توسط کارکنان سازمان ملل متحد، بخشی از سیاسی کردن فعالیت‌های بشردوستانه و دستکاری آن برای دستیابی به اهداف و برنامه‌هایی است که فراتر از ماهیت مأموریت‌های بشردوستانه است. منبع مذکور توضیح داد که مطرح کردن موضوع رنج شهروندان در تعزو سوء استفاده از آن در رسانه‌ها توسط برخی از کارکنان سازمان ملل متحد، به فعالیت‌های بشردوستانه خدمت نمی‌کند، بلکه نشان دهنده سوء استفاده آشکار از رنج شهروندان است. این در حالی است که سازمان ملل وظیفه دارد بدون توسل به ژست‌های سیاسی یا دستکاری، به نیازهای بشردوستانه رسیدگی کند.

هاآرتص: اسرائیل تبدیل به یک برند سمی برای جهان شده است

روزنامه هاآرتص اعلام کرد کشورهای جهان، تحریم اسرائیل را یک امتیاز سیاسی می‌دانند و به آن افتخار می‌کنند. در ادامه واکنش‌های محافل صهیونیستی به تحولات آمریکا، از شکست دونالد ترامپ، رئیس جمهور این کشور در انتخابات میان دوره‌ای تا اعلام توقف کمک‌ها به اسرائیل، روزنامه عبری هاآرتص، به بررسی این مسائل از جنبه انزوای بین‌المللی رژیم صهیونیستی پرداخته ونوشت: در دوران بنیامین نتانیاهو، اسرائیل به یک برند سمی تبدیل شده است که باید آن را طرد کرد. هاآرتص افزود: در وهله نخست ترامپ اعلام کرد که ایالات متحده کمک‌های امنیتی به اسرائیل (به مبلغ ۳٫۸ میلیارد دلار در سال) را در پایان امسال متوقف خواهد کرد. تصمیم ترامپ برای تهدید به قطع کمک‌های امنیتی به اسرائیل، حتی اگر برای اهداف انتخاباتی باشد، و حتی اگر نتانیاهو در یک نمایش مضحک رسانه‌ای وانمود به توافق کند، میزان سمی بودن اسرائیل را در نظر مردم آمریکا نشان می‌دهد.

ائتلاف آمریکایی-صهیونی با وجود ناکامی در دو جنگ گذشته، چرا ممکن است بار دیگر به گزینه نظامی روی آورد؟

سودای قمار تازه با ایران



گروه سیاسی

واشنگتن و تل‌آویو پس از ناکامی در تحمیل اراده خود، بار دیگر گزینه نظامی را روی میز گذاشته‌اند؛ اما مسئله این است که آیا جنگ تازه قرار است به پیروزی برسد یا بخشی از راهبردی طولانی برای فرسوده کردن ایران باشد؟ آنچه امروز درباره احتمال آغاز دور تازه‌ای از حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران مطرح است، دیگر صرفاً محصول گمانه‌زنی رسانه‌ای یا تحلیل تحولات نظامی نیست. گزارش‌های منتشرشده در هفته‌های اخیر از تدوین طرح‌های مشترک نظامی، افزایش تمرین‌های عملیاتی و آماده‌سازی سناریوی حمله‌ای جدید حکایت دارند. روزنامه نیویورک تایمز به نقل از مقام‌های آمریکایی و افراد مطلع گزارش داده است که واشنگتن و تل‌آویو طرح‌هایی برای ازسرگیری حملات پس از انتخابات میان دوره‌ای آمریکا در سوم نوامبر تهیه کرده‌اند. شبکه‌های خبری دیگری از جمله ان‌بی‌آر و ای‌بی‌سی نیز گزارش‌های مشابهی منتشر کرده‌اند. در اول نوامبر هم رسانه‌های اسرائیلی از تکمیل آمادگی ارتش این رژیم برای دور تازه رویارویی خبر دادند. البته میان آماده بودن طرح نظامی و اتخاذ تصمیم سیاسی برای اجرای آن فاصله وجود دارد؛ اما مجموع این نشانه‌ها نشان می‌دهد که احتمال جنگ جدید را نمی‌توان جدی نگرفت.

مسئله مهم‌تر، چرایی این احتمال است. اگر قرار باشد آمریکا و اسرائیل بار دیگر به ایران حمله کنند، با سومین دور فراگیر تقابل در فاصله‌ای کوتاه روبه روخواهیم بود؛ آن هم در شرایطی که دو دور قبلی، با وجود تحمیل خسارت‌های سنگین به کشور، نتوانستند به نتیجه سیاسی و راهبردی مورد نظر مهاجمان منجر شوند. این وضعیت پرسشی اساسی را پیش می‌کشد: وقتی جنگ نتوانسته است اراده ایران را درهم بشکند، چرا باید دوباره به همان ابزار متوسل شد؟ آیا محاسبات مهاجمان تغییر کرده است؟ آیا هدف، دیگر پیروزی در یک جنگ کوتاه نیست؟ یا اینکه اساساً باید جنگ‌های اخیر را نه رویدادهایی جداگانه، بلکه حلقه‌هایی از یک راهبرد فرسایشی بزرگ‌تر به شمار آورد؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها باید میان سه سطح تمایز قائل شد: اهدافی که آمریکا و اسرائیل رسماً اعلام می‌کنند، اهدافی که از رفتار و تصمیم‌های آنان می‌توان استنباط کرد و اهدافی که ممکن است در صورت شکست دوباره پروژه نظامی، به‌تدریج جایگزین اهداف اولیه شوند.

از پیروزی برق‌آسا تا راهبرد جنگ‌های پیاپی

برای فهم چرایی احتمال حمله مجدد، ابتدا باید به سرنوشت دو جنگ قبلی بازگشت. جنگ دوازده‌روزه خرداد ۱۴۰۴ و جنگ چهل‌روزه اسفند ۱۴۰۴ و فروردین ۱۴۰۵، از نظر دست عملیات، اهداف نظامی و خسارات وارد شده، دو رویداد بسیار متفاوت از یکدیگر بودند؛ اما یک وجه مشترک مهم داشتند: هر دو با این تصور آغاز شدند که می‌توان از طریق برتری هوایی، ضربه به مراکز فرماندهی، ترور شخصیت‌های کلیدی و تخریب زیرساخت‌های راهبردی، ایران را به نقطه‌ای از ضعف برساند که در آن امکان ادامه مقاومت یا از بین برود یا به شدت محدود شود. در جنگ چهل‌روزه، این تصور به شکل عریان‌تری خود را نشان داد. عملیات مشترک آمریکا و اسرائیل در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ آغاز شد و در همان حملات اولیه، رهبر وقت جمهوری اسلامی، حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، به شهادت رسید. مراکز نظامی سامانه‌های دفاعی، صنایع موشکی تأسیسات نظامی و شماری از فرماندهان ارشد کشور نیز هدف قرار گرفتند. واشنگتن و تل‌آویو علاوه بر تضعیف قدرت دفاعی ایران، آشکارا به تغییر ساختار سیاسی کشور و برانگیختن شورش داخلی امید بسته بودند. دونالد ترامپ حتی در آغاز جنگ از مردم